

اطلاعاتی درباره کتاب حزقیال



کتاب حزقیال Ezekiel

کتاب حزقیال چهارمین کتاب از پنج کتاب انبیای بزرگ در عهد قدیم است و از نظر طبقه بندی در گروه کتابهای نبوتی قرار گرفته و از ۴۸ فصل و ۱۲۷۳ آیه تشکیل شده است.

عهد عتیق به طور کلی و پیامبران بطور خاص در مورد حاکمیت و اقتدار خدا بر آفرینش در طی مسیر تاریخ به ما تعلیم می‌دهند. و در هیچ جای کتاب مقدس ابتکار و کنترل خدا به اندازه کتاب حزقیال نبی واضح‌تر و متقاعد کننده‌تر بیان نشده است.

حزقیال یک کاهن و همچنین یک نبی بود که در سال ۵۹۷ قبل از میلاد به بابل تبعید شد و دوران خدمت او به عنوان یک نبی مدت زمانی حدود ۲۳ سال را پوشش می‌دهد؛ او کاملاً از حضور و قدرت خدا در امور انسانی آگاه بود.

نویسنده

همانطور که تقریباً در مورد تمام کتابهای نبوتی صادق است این کتاب نیز نام خود را از نویسنده کتاب، حزقیال پسر بوزی گرفته است.

اصل و نسب کهنانی حزقیال از طریق خدمت نبوتی او می‌درخشد. در این کتاب اغلب با موضوعات مورد علاقه او از قبیل معبد، کهنانت، جلال خداوند، روش و مقررات قربانی، روبرو می‌شویم. حزقیال ۱: ۱ به ما می‌گوید که نبوت او در "سال سی‌ام" آغاز شده است، اما محققین کتاب مقدس معمولاً آنرا منتسب به سن حزقیال می‌دانند و او را حدوداً هم سن با دانیال به حساب می‌آورند که نزدیک به ده سال قبل از آن به بابل تبعید شده بود. مانند بسیاری از کاهنان اسرائیل، حزقیال نیز ازدواج کرده بود. اما وقتی همسر او در طی دوران خدمت نبوتی او درگذشت و خداوند به عنوان نشانه‌ای از عدم اهمیت یهودا به

امور خداوند، او را از سوگواری و اجرای مراسم ترحیم منع کرد (۲۴: ۱۶-۲۴).

تاریخچه

نَبُوکَدْنَصَّر پادشاه بابل در دوران سلطنت یهوایقیم، سپاهی را برای تهاجم و نابودی یهودا فرستاد (دوم پادشاهان ۲۴: ۱-۲). او بعد از تسخیر یهودا، ده هزار یهودی به انضمام یهوایکین پسر یهوایقیم را که فقط برای مدت سه ماه پادشاه بود جهت تبعید به بابل فرستاد (دوم پادشاهان ۲۴: ۸، ۱۴-۱۵). این واقعه در سال ۵۹۷ قبل از میلاد و یازده سال قبل از سقوط اورشلیم رخ داد. در میان تبعیدیان مرد جوانی به نام حزقیال بود که از اعضای خانواده کاهنان بشمار میآمد (حزقیال ۱: ۳). بعد از کمی بیشتر از چهار سال در تبعید و در سال پنجم، حزقیال از جانب خداوند برای نبی شدن و نبوت فرا خوانده شد (حزقیال ۱: ۲).

خدمت حزقیال در مرحله نخست مربوط به هموطنان تبعیدی او در بابل بود. بابل اسمی معمول و درخور برای نامیدن قومی بود که شهر بابل پایتخت ایشان محسوب میشد. از نام بابل در کتاب مقدس اغلب برای اشاره به کل این قوم استفاده شده است. هنگامیکه ارمیا مشغول ترغیب یهودیان در اورشلیم جهت تسلیم نمودن خودشان به حاکمیت بابلیها بود، حزقیال مشغول ترغیب یهودیان در بابل جهت پذیرش تبعید خودشان در بابل به عنوان مجازات خداوند و تلاش برای بهتر ساختن شرایط زندگی در تبعید بود.

زمینه

اولین هفت سال خدمت حزقیال در دوران سقوط اورشلیم قرار داشت، و از اینرو اولین قسمت از کتاب حزقیال در مورد نازل شدن داوری خداوند بر شهر اورشلیم است (فصلهای ۱-۲۴). او به تبعیدیها میگوید که اورشلیم سقوط خواهد کرد، و بدینسان امید آنها را برای پایان یافتن سریع دوران اسارتشان نقش بر آب میکند.

سپس حزقیال یک سلسله پیامهایی را به سایر اقوام ارائه داده و به آنها میگوید که داوری خداوند در زمان مقتضی بر آنها نیز نازل خواهد شد (فصلهای ۲۵-۳۲).

در انتها و پس از سقوط اورشلیم، حزقیال پیامهایی امید بخش و تسلی دهنده را به تبعیدیان منتقل میسازد، و نبوت می‌کند که آنها به عنوان قوم خداوند، احیا و تجدید شده و یک آینده با شکوه را دوباره تجربه خواهند کرد (فصلهای ۳۳-۴۸).

حزقیال نبی، رهبران اسرائیل، همسر حزقیال، و نبوکدنصر پادشاه بابل، از شخصیت‌های اصلی این کتاب هستند.

منبع: رازگاه